

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل

پایان‌نامه جهت اخذ کارشناسی ارشد

تأثیر تکنولوژی‌های نوین ارتباطی - اطلاعاتی بر حوزه عمومی

مطالعه موردی: جنبش‌های اجتماعی

استاد راهنما

خانم دکتر فریده محمدعلی‌پور

استاد مشاور

آقای دکتر غلامرضا کریمی

دانشجو

علی رضوانیان

پاییز ۱۳۹۱

تقدیم

این پایان نامه را ضمن تشکر و سپاس بیکران و در کمال افتخار و امتنان تقدیم می‌نمایم به:

- محضر ارزشمند پدر و مادر عزیزم به خاطر همه تلاش‌های محبت آمیزی که در دوران مختلف زندگی‌ام انجام داده‌اند و با مهربانی چگونه زیستن را به من آموخته‌اند.
- به استادان فرزانه و فرهیخته‌ای که در راه کسب علم و معرفت مرا یاری نمودند.
- به آنان که در راه کسب دانش راهنمایم بودند.
- به آنان که نفس خیرشان و دعای روح پرورشان بدرقه راهم بود.

الها

- به من کمک کن تا بتوانم ادای دین کنم و به خواسته آنان جامه عمل بپوشانم.
- پروردگارا حسن عاقبت، سلامت و سعادت را برای آنان مقدر نما.
- خدایا توفیق خدمتی سرشار از شور و نشاط و همراه و همسو با علم و دانش و پژوهش جهت رشد و شکوفایی ایران کهنسال عنایت فرما.

تقدیر و شکر

نظر به این که قدردانی و پاسِ زحمت خیرخواهان و نیکوکاران امری فطری است و برگشت آن به شکر خداوند متعال می‌باشد؛ لذا لازم دانسته از راهنمایی‌های گران‌قدر استاد، دکتر **فریده محمد علی پور**، مشاوره‌های راه‌گشای استاد، دکتر **غلامرضا کریمی** کمال تشکر را داشته باشم. از دکتر **اکرم قدیمی** که زحمتی داوری را بر عهده گرفته‌اند نیز تشکر می‌کنم. همچنین حمایت‌های بی‌منت پدر و مادر مهربانم را نیز ارج می‌نهم و ادای پاداش همه این عزیزان را، به عطای صاحب آیات نور، خداوند جلیل، واگذار می‌کنم.

چکیده

با وقوع پیشرفت‌های شگرف در عرصه ارتباطی - اطلاعاتی به صورت پیدایش ماهواره‌ها، رسانه‌ها، کامپیوترهای پیشرفته، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی چهره سیاست و روابط قدرت دستخوش تغییرات زیادی شده است. این پایان‌نامه پیرامون این پرسش اساسی تنظیم شده است که تکنولوژی‌های نوین ارتباطی به ویژه اینترنت و قابلیت‌های آن چه تأثیری بر حوزه عمومی داشته‌اند؟ در پاسخ، این فرضیه با روش تبیینی در معرض آزمون و بررسی قرار گرفته است که تکنولوژی‌های نوین ارتباطی به ویژه اینترنت موجب تغییر حوزه عمومی از حوزه‌ای یکپارچه و منسجم به حوزه‌ای متکثر، فراملی و جهانی شده است. در همین راستا و با توجه به این که جنبش‌های اجتماعی، کارگزاران حوزه عمومی در جامعه تلقی می‌شوند به بررسی تأثیر فناوری‌های ارتباطی بر شکل‌گیری، تداوم و موفقیت جنبش‌های نوین اجتماعی نیز پرداخته‌ایم. نتایج پژوهش نشان می‌دهد با ظهور و گسترش فناوری‌های ارتباطی در حوزه عمومی - که در اندیشه مدرن عرصه‌ای منسجم و یک‌پارچه به عنوان پشتوانه و حامی سیستم سیاسی تلقی می‌شد - شاهد تعدد و تنوعی از گروه‌ها، مذاهب، جنبش‌ها، هویت‌ها و فرهنگ‌ها و اقوام در سطوح فراملی و جهانی هستیم. ضمن این که اینترنت و قابلیت‌های آن از جمله توسعه شبکه‌های اجتماعی تا حد زیادی در ایجاد انسجام درون جنبشی بین اعضا و رهبران جنبش‌های نوین اجتماعی، ایجاد ائتلاف بین جنبش‌ها، گسترش اعتراض‌ها در محیط اینترنتی و محیط عینی و در نهایت جهانی کردن اعتراض‌های ملی و محلی تأثیرگذار بوده است.

واژگان کلیدی

تکنولوژی‌های نوین ارتباطی، اینترنت، شبکه‌های اجتماعی، حوزه عمومی، جنبش‌های اجتماعی

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۲	بیان مسئله
۳	اهمیت موضوع
۵	پیشینه پژوهش
۱۵	اهداف پژوهش
۱۳	سؤالات پژوهش
۱۳	سؤال اصلی پژوهش
۱۳	سؤالات فرعی پژوهش
۱۳	متغیرها
۱۴	فرضیه پژوهش
۱۵	روش‌ها و ابزارهای گردآوری اطلاعات
۱۵	روش پژوهش
۱۶	سازماندهی پایان‌نامه
۱۷	فصل اول: حوزه عمومی
۱۹	۱-۱- مفهوم حوزه عمومی
۲۴	۱-۲- کنش ارتباطی، بنیاد شکوفایی حوزه عمومی
۲۸	۱-۳- حوزه عمومی - دموکراسی مشورتی
۲۹	۱-۴- نمونه آرمانی حوزه عمومی
۳۰	۱-۵- دموکراسی، جنبش‌های اجتماعی و حوزه عمومی
۳۲	۱-۶- مدیریت و دستکاری اطلاعات؛ هابرماس و زوال حوزه عمومی
۳۵	۱-۷- جنبش‌های اجتماعی
۳۸	۱-۷-۱- جنبش‌های جدید اجتماعی
۴۹	۱-۷-۲- کارکردهای جنبش‌های نوین اجتماعی
۵۱	جمع‌بندی
۵۳	فصل دوم: تکنولوژی‌های نوین ارتباطی اطلاعاتی
۵۵	۲-۱- ارتباط، تکنولوژی ارتباطی اطلاعاتی و توالی تاریخی آن
۵۹	۲-۲- ظهور رسانه‌های جمعی
۶۰	۲-۳- رسانه‌های جدید و تنوع مخاطبان انبوه
۶۳	۲-۳-۱- مطبوعات چاپی و الکترونیک

۶۳.....	۲-۳-۲- رادیو و تلویزیون
۶۴.....	۲-۳-۳- رسانه‌های جدید الکترونیک (تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی جدید)
۶۵.....	۲-۳-۳-۱- ماهواره
۶۵.....	۲-۳-۳-۲- اینترنت
۶۸.....	۲-۳-۳-۳- چندرسانه‌ای‌ها
۷۱.....	۲-۳-۳-۴- بزرگراه‌های اطلاعاتی
۷۲.....	۲-۳-۳-۵- شبکه‌های تعاملی
۷۴.....	۲-۴- شاخص توسعه فناوری‌های ارتباطی (IDI)
۷۶.....	۲-۵- ویژگی‌های تکنولوژی‌های نوین
۷۹.....	۲-۶- تکنولوژی اطلاعات و سیاست
۸۲.....	۲-۷- منتقدان تکنولوژی
۸۴.....	جمع‌بندی
فصل سوم: تأثیر تکنولوژی‌های نوین ارتباطی بر حوزه عمومی و جنبش‌های اجتماعی... ۸۶	
۸۸.....	۳-۱- اینترنت و حوزه عمومی
۸۹.....	۳-۱-۱- نگاه منفی و بدبینانه
۹۳.....	۳-۱-۲- نگاه مثبت و خوش‌بینانه
۹۷.....	۳-۱-۳- نگاه میانه
۹۷.....	۳-۲- پتانسیل‌های دموکراتیک اینترنت و بسط حوزه عمومی
۱۰۵.....	۳-۳- رسانه‌های نوین، شبکه‌های اجتماعی و جنبش‌های اجتماعی
۱۰۸.....	۳-۳-۱- اینترنت و جنبش‌های اجتماعی
۱۱۵.....	۳-۳-۲- شبکه‌های اجتماعی و جنبش‌های اجتماعی
۱۲۲.....	۳-۴- مدل زمینه‌گرا پیرامون تأثیر اینترنت بر جنبش‌های اجتماعی
۱۲۴.....	۳-۵- بررسی مصداقی تأثیر اینترنت و شبکه‌های اجتماعی بر جنبش‌های اجتماعی
۱۲۴.....	۳-۵-۱- جنبش‌های اجتماعی صلح‌طلب یا ضد جنگ
۱۲۶.....	۳-۵-۲- جنبش وال‌استریت در آمریکا
۱۲۸.....	۳-۵-۳- انقلاب ملت مصر
۱۳۰.....	۳-۵-۴- جنبش زنان در عربستان سعودی
۱۳۱.....	جمع‌بندی
۱۳۲.....	نتیجه‌گیری
۱۳۸.....	منابع و مآخذ

مقدمه

بیان مسأله

در پی انقلاب تکنولوژیک که به صورت پیدایش تلفن همراه، ماهواره‌ها، رسانه‌ها، کامپیوترهای پیشرفته، اینترنت و علوم و فنون جدید اطلاعاتی نمایان شد، روابط انسانی دستخوش تغییرات بنیادی قرار گرفت. جهان امروز به لحاظ تجربه کردن اطلاعاتی بی سابقه است و ما در دوره انتقالی به سر می‌بریم که در آینده به تغییرات عمیقی در زندگی مان ختم خواهد شد. «روند تکامل کمی و کیفی رادیو و تلویزیون، ماهواره و اینترنت باعث شده است به عصر ارقام و اعداد کامپیوتری قدم بگذاریم که از عصر صنعت گرایی و سرمایه‌گذاری دولت - محور متمایز است.» (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۹۸) در این تکامل جهشی که انقلاب اطلاعات نام دارد، شاهد مهندسی خرد و کلان تحولات به وسیله سیستم‌های الکترونیک و اطلاعاتی هستیم.

نقطه عطف این تحولات در دهه ۱۹۷۰ روی داد که با تکنولوژی حیات نیز پیوند دارد. اولین موج تأثیرگذاری روندی را شکل داد که به رواج بهره‌وری متکی بر دانش و سرمایه‌داری اطلاعات محور انجامید. این روند در طی تکامل اطلاعات خویش، به نهادها و سازمان‌هایی تبدیل می‌شود که در مجموع فرهنگ جامعه شبکه‌ای را شکل می‌دهند. در این تحول فرهنگ رسانه‌های جمعی یعنی رسانه‌هایی با مخاطبان انبوه و متنوع و ارتباطات کامپیوتری، به منظور سوق‌دهی جوامع مجازی و منظومه‌های اینترنتی به سمت فضاهای تعاملی و شکل‌گیری محیط‌های نمادین و مجازی پیش می‌رود. امکان‌های تکنولوژی اطلاعات در قالب محیط‌های سایبر و شکل‌گیری جوامع شبکه‌ای، سیاست را نیز دستخوش تغییرات بنیادین می‌کند.

تأثیر این تغییرات به گونه‌ای است که می‌توان در عرصه تحلیل، سیاست را به دوران قبل و بعد از پیدایش تکنولوژی اطلاعات تقسیم کرد. تحلیل بسترهای علوم سیاسی در قبل از پیدایش تکنولوژی اطلاعات حالت توصیفی و هنجاری مبتنی بر اخلاق‌واره‌های انسانی دارد. پس از انقلاب تکنولوژی اطلاعات، علوم سیاسی حالتی ساختاری پیدا کرد. دیگر برای بحث از آزادی، عدالت و بسیاری از فضیلت‌های سیاسی تنها تکیه بر سوژه‌های انسانی کارآمد نیست و باید وجوه ساختاری اطلاعاتی جدید نیز برای تحلیل سیاست مورد توجه قرار گیرند، به گونه‌ای که نادیده گرفتن آن قلمرو، سیاست را بسیار تخیلی و غیرواقعی می‌سازد. بر همین اساس، دیگر نمی‌توان در فلسفه سیاسی این دگرگونی ناگهانی را نادیده گرفت.

پیرو مباحث فوق و اهمیت تکنولوژی‌های اطلاعاتی، می‌توان گفت که عرصه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، در نتیجه تحولات فوق دستخوش تحولات بنیادی شده‌اند. بدیهی است که تأثیرگذاری

تکنولوژی‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی بر قلمرو سیاست بسیار گسترده است. در این پژوهش بیش از همه بر اثرات تحولات تکنولوژیک فوق به خصوص در عرصه اینترنت و قابلیت‌های آن بر حوزه عمومی در قلمرو سیاست و همچنین جنبش‌های اجتماعی در این عرصه تأکید می‌شود. قلمرو سیاست را می‌توان در دو بخش مورد بررسی قرار داد. بخشی از این قلمرو به حوزه قدرت و حاکمیت مربوط است که در اینجا با پدیده‌هایی مثل دولت و حکومت مواجه هستیم. بخش دیگر در قلمرو سیاست به حوزه اجتماعی تعلق دارد. مطالعه ارتباط بین این دو حوزه در علوم سیاسی امری حائز اهمیت است. به نظر می‌رسد در نتیجه تنوع و تعدد تکنولوژی‌های ارتباطی - اطلاعاتی جدید هر دو قلمرو سیاست دستخوش تغییر شده‌اند. این تحول در مناسبات مربوط به قدرت و حاکمیت از یک طرف و جامعه و مردم از طرف دیگر تأثیرات شگرفی بر عرصه عمومی داشته است.

حوزه عمومی از یک طرف در برابر حوزه خصوصی و از طرف دیگر در برابر دولت قرار می‌گیرد و فضایی است حقیقی یا مجازی که افراد خصوصی در آن گرد هم می‌آیند و فارغ از دخالت قدرت در آن به بحث و گفت و گوی عقلانی در مورد مسائل مورد علاقه می‌پردازند. ورود در این مباحث برای همگان آزاد است و هیچ محدودیتی برای انتخاب موضوع مورد گفت و گو وجود ندارد. معیار نهایی در بحث‌ها برای رسیدن به نتیجه فقط استدلال برتر و بهتر است. امروزه حوزه عمومی و جنبش‌های اجتماعی به عنوان بخش قابل توجه و عنصر جدانشدنی آن مورد توجه بسیاری از اندیشمندان قلمرو سیاست و جامعه‌شناسی سیاسی است. به طور حتم پیشرفت‌های متعدد تکنولوژی ارتباطی - اطلاعاتی تأثیرات شگرفی بر حوزه عمومی و جنبش‌های اجتماعی داشته است. پژوهش حاضر نیز در پاسخ به این پرسش اساسی شکل خواهد گرفت که چه نسبتی می‌توان بین تکنولوژی‌های جدید بویژه در عرصه اینترنت و حوزه عمومی برقرار کرد؟ تکنولوژی‌های جدید ارتباطی - اطلاعاتی چه تأثیری بر حوزه عمومی و جنبش‌های اجتماعی دارند؟

اهمیت موضوع

امروزه تحولی تازه و بسیار گسترده در عرصه ارتباطات و اطلاع‌رسانی در حال وقوع است که چشم‌انداز کاملاً تازه و متفاوتی با مفهوم و عملکرد و تأثیر رسانه مقابل پژوهشگران قرار داده است. این تحول که بسیاری آن را انقلابی در عرصه ارتباطات و شروع پارادایم جدیدی در زندگی جوامع امروزی می‌خوانند، ظهور و توسعه بسیار سریع و حیرت‌آور فناوری‌های جدید ارتباطی در جهان امروز است که در زمان بسیار کوتاهی در سراسر جهان گسترش یافته است و مهم‌ترین شکل و نمایان‌ترین محصول آن شبکه اینترنت است.

شبکه اینترنت که در عرض چند سال صدها میلیون نفر از مردم جهان را در کشورهای مختلف در ارتباط مستقیم و بی‌واسطه با یکدیگر قرار داده است ظرفیت‌ها و امکانات بالقوه فوق‌العاده و بی‌سابقه‌ای برای ارتباط زنده و دوسویه میان افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و دولت‌ها ارائه کرده و این امر موجب شده تا موج تازه‌ای از تحریک علمی و آکادمیک در رشته‌های مختلف از جمله علوم سیاسی و ارتباطات برای مطالعه آن آغاز شود. مباحثات جدی و گسترده علمی درباره ماهیت، خط سیر و تأثیر انقلاب ارتباطات و شروع عصر زندگی دیجیتال در زندگی افراد و جوامع، به تحقیقات ارتباطات و رسانه‌ها و نقش آن در سیاست جلوه ویژه‌ای بخشیده است. (میناوند، ۱۳۸۵: ۱۲۱)

یکی از عوامل توجه روزافزون پژوهشگران علوم سیاسی به این پدیده نقشی است که شبکه اینترنت می‌تواند در رشد و تقویت دموکراسی و مشارکت سیاسی به شیوه‌هایی کاملاً نو در جوامع مختلف داشته باشد. این توانایی به دلیل ویژگی‌هایی چون تعاملی بودن (Interactivity)، همزمانی ارتباط (Real Time)، فراگیر بودن (Ubiquity) و متمرکز نبودن (Decentralit) شبکه اینترنت است که آن را از رسانه‌های جمعی سنتی نظیر مطبوعات و رادیو و تلویزیون متمایز می‌سازد. امروزه پدیده انقلاب اطلاعات و محصول کاملاً شناخته شده آن یعنی اینترنت در حال ایجاد تغییرات اساسی و وسیعی در ماهیت و اشکال و ساختارهای قدرت در جوامع مختلف اعم از پیشرفته و در حال توسعه است و این امر پژوهشگران را به پرسش درباره میزان و چگونگی این تغییرات و تأثیرات کنونی و آتی اینترنت بر زندگی سیاسی جوامع و رابطه بین دولت و شهروندان واداشته است.

در طی آخرین دهه قرن بیستم همراه با توسعه و تکامل فوق‌العاده سریع ارتباطات رایانه‌ای و گرایش روزافزون مردم جوامع مختلف به اینترنت و شبکه‌های رایانه‌ای، کوشش‌های نظری بسیاری صرف الگوهای مناسب برای مطالعه اینترنت و ابعاد و تأثیرات سیاسی و اجتماعی آن شد. آدام لیک (Adam Lake) یکی از علمای ارتباطات سیاسی در باره رابطه اطلاعات و ارتباطات با توسعه سیاسی و مردم‌سالاری می‌نویسد: «هدف از دموکراسی در اصل دسترسی مردم به قدرت سیاسی و کنترلش به دست آنان است و در این عرصه دستیابی هر چه بیشتر به ارتباطات، دستمایه تحقق دموکراسی اصیل است، زیرا این امر شهروند معمولی را قادر می‌سازد تا به مشارکت آگاهانه در سیاست بپردازد.» (Lake, 1995: 4)

یکی از مهم‌ترین وجوه عملکرد رسانه‌ها، اعم از سنتی و مدرن، تأثیرات مثبت و منفی آن‌ها در عرصه تولید، توزیع و اعمال قدرت سیاسی است. به همین ترتیب نقش ارتباطات (Communications) و رسانه‌های گروهی در زندگی سیاسی، بویژه تأثیر این پدیده‌ها در توسعه سیاسی و رشد و تعمیق دموکراسی از دیرباز مورد

توجه محققان حوزه‌های سیاست و ارتباطات بوده است. این موضوع یکی از نقاط پیوند رشته‌های علوم سیاسی و ارتباطات بوده است؛ از این رو پژوهش در این زمینه ماهیتی میان رشته‌ای دارد.

در واقع مفهوم بنیادین و وحدت‌بخش علم سیاست و زیررشته‌های آن نظیر جامعه‌شناسی سیاسی و ارتباطات سیاسی مفهوم قدرت (power) است. مفهومی که به رغم مباحث گسترده درباره آن همچنان جایگاه خود را به عنوان هسته و مفهوم محوری علم سیاست حفظ کرده است. از دیدگاه ارتباطات سیاسی، قدرت مفهومی سیال و بینادذهنی (Intersubjective) که شکل و عملکردش در جوامع محصول چگونگی ارتباط ذهنی و عینی افقی میان افراد، گروه‌ها و نهادهای اجتماعی - سیاسی و ارتباط عمودی بین مردم و دولت است. (مونتی پالمر و دیگران، ۱۳۶۷: ۴۶-۳۸) در این نگرش قدرت به معنای نحوه تولید، توزیع و کاربرد اطلاعات در جامعه و سلسله مراتب اجتماعی و سیاسی ناشی از آن است. از آنجا که در دوران مدرن، بویژه طی یک قرن گذشته رسانه‌های جمعی به ابزارهای اصلی و بسیار مؤثر تولید و توزیع و کاربرد اطلاعات در جوامع تبدیل شده‌اند، بررسی نوع و میزان و چگونگی این فرآیند جایگاه برجسته‌ای در مطالعات علمی دارد.

با نگاهی به جنبش‌ها و انقلاب‌های اخیر در کشورهای عربی منطقه، اعتراضات صورت گرفته در کشورهای اروپایی و همچنین جنبش اشغال وال استریت بیش از پیش به نقش محوری و اساسی تکنولوژی‌های نوین ارتباطی اطلاعاتی، اینترنت و به ویژه شبکه‌های اجتماعی مجازی در شکل‌گیری، سازماندهی و تداوم این تحركات پی می‌بریم. از آن جایی که کشور ما نیز جزئی از جامعه بزرگ جهانی است و نمی‌تواند از این تأثیرات در امان باشد مطالعه پیرامون این حوزه می‌تواند اهمیت زیادی داشته باشد.

پیشینه پژوهش

مباحث جدید علمی در رشته سیاست و ارتباطات توجه روزافزونی به تأثیرات مثبت و یا منفی فناوری‌های ارتباطی نوین به ویژه اینترنت در تحولات سیاسی جوامع نشان می‌دهد. امروزه به طور روزافزونی به این موضوع توجه می‌شود و تعداد کتب، مقالات، رساله‌های دانشگاهی و دوره‌های آموزشی که برای پاسخگویی به سؤالات مربوط به نقش اینترنت در سیاست تألیف یا تشکیل شده در حال افزایش است. به رغم توجه پژوهشگران علوم سیاسی، ارتباطات و جامعه‌شناسی به بررسی و مطالعه ابعاد مختلف ارتباطات نوین رایانه‌ای و شبکه اینترنت و استقبال روزافزون آن‌ها، این مطالعات هنوز در مراحل نخستین خود هستند.

در این نوشتار از آثار جامعه‌شناسی، فلسفه، علوم سیاسی و ارتباطات - هر چند موضوع پژوهش را به طور کامل پوشش نمی‌دهند - در اخذ ایده‌های ابتدایی و شرح مطلب استفاده شده است. از این رو آرای صاحب‌نظرانی همچون راینگولد، تورنتون، پوستر، وارد، چارلز اس، هایدگر، کاستلز، وبستر، نش، تافلر، مک لوهان، هابرماس و ... در پژوهش بررسی شده‌اند. قبل از پرداختن به ادبیات موضوع ذکر این نکته ضروری است که مفهوم حوزه عمومی را نمی‌توان به سادگی و بدون ارجاع آن به چارچوب کلی نظریات هابرماس و ارتباط آن با نظریه کنش ارتباطی دریافت. بنابراین ابتدا با توضیح مختصری پیرامون نظریه حوزه عمومی هابرماس آغاز می‌کنیم.

یورگن هابرماس (Jurgen Habermas) در میان نویسندگان مکتب انتقادی جایگاه برجسته‌ای دارد. وی اگر چه به مکتب فرانکفورت تعلق دارد ولی بر خلاف بسیاری از نویسندگان این مکتب معتقد به دیدگاهی جبری و بدبینانه از سرمایه‌داری متأخر نیست و راه دستیابی به افق‌های تازه‌ای از دموکراسی و مشارکت واقعی مردم در نظام سرمایه‌داری را بسته نمی‌بیند. مهم‌ترین بحث‌های هابرماس در مورد نقش و تأثیر سیاسی رسانه‌ها در نظام‌های دموکراتیک را می‌توان در نخستین اثر معروف وی با عنوان «تحول ساختاری حوزه عمومی» مشاهده کرد.

هابرماس با نظریات خود مفهوم حوزه عمومی را به شکل نوینی وارد عرصه مطالعات سیاسی از جمله در زمینه ارتباطات و رسانه کرد و از این روی نقش وی در احیای مطالعات رسانه با ارجاع به مفهوم حوزه عمومی طی دهه‌های اخیر غیرقابل انکار است. تناسب و غنای نظریات هابرماس در زمینه ارتباطات انسانی بسیاری از نویسندگان و پژوهشگران علوم اجتماعی به ویژه در علوم سیاسی و ارتباطات را بر آن داشته است که از نظریات وی در عرصه مطالعات مربوط به رسانه‌های نوین، فرهنگ توده‌ای، مشارکت سیاسی و تغییرات سیاسی، رهایی انسان و دموکراسی رادیکال استفاده کنند.

حوزه عمومی در واقع ایده یا مفهومی هنجاری است که در چارچوب کلی نظریات هابرماس درباره کنش ارتباطی و اخلاق گفت‌وگو جای دارد. به نظر هابرماس حوزه عمومی بخشی از حیات اجتماعی است که در آن شهروندان می‌توانند به تبادل نظر در مورد موضوعات و مسائل مهم مربوط به خیر عمومی (مصالح عامه) پردازند. نتیجه این امر شکل‌گیری افکار عمومی است. (Velibeyoglu, 1999, 2)

هابرماس خود حوزه عمومی را چنین تعریف می‌نماید: «مقصود ما از حوزه عمومی قبل از هر چیز قلمرویی از زندگی اجتماعی ما است که در آن، آن چه به افکار عمومی منجر می‌شود می‌تواند شکل بگیرد. در هر گفتگویی که در آن افراد خصوصی برای ایجاد مجمعی عمومی گرد هم می‌آیند بخشی از حوزه عمومی به وجود می‌آید.» (Habermas, 1989: 27) بر این اساس حوزه عمومی فضایی سیاسی است که در آن حقوق افراد به عنوان شهروندان آزاد و برابر به رسمیت شناخته می‌شود و جماعت سیاسی شکل می‌گیرد. از آنجا که ارتباطات افراد در وضعیت آرمانی گفت و گو از هر گونه اجبار نهادی رها است و گفت و گو در حوزه عمومی می‌تواند به توسعه‌ی دموکراتیک در همه‌ی سطوح اجتماعی منجر شود. (Habermas, 1996: 245) اکنون مطالعات مرتبط با این پژوهش را در ذیل به اختصار شرح می‌دهیم:

هوارد راینگولد (Howard Rheingold) یکی از نخستین و معروفترین پژوهشگرانی است که در اوایل دهه نود قرن بیستم میلادی در نخستین مراحل جهانی شدن شبکه اینترنت به بررسی تأثیرات این شبکه بر زندگی سیاسی پرداخته است. راینگولد که از سال ۱۹۸۵ به عنوان عضو یک جماعت مجازی (Virtual Community) به برقراری ارتباط روزمره با دیگر اعضای شبکه از طریق کنفرانس از راه دور (Teleconference)، پست الکترونیک و گروه‌های خبری ویژه می‌پرداخت، نتیجه تجارب خود را در تدوین نظریه‌ای در مورد تأثیرات شبکه اینترنت در تقویت و تحکیم دموکراسی و ایجاد اشکال جدیدی از مشارکت سیاسی شهروندان در یک حوزه عمومی مجازی (Virtual Public Sphere) به کار گرفت. ایده اصلی کتاب راینگولد که به صورت الکترونیکی هم منتشر شده این است که اینترنت ممکن است عصر جدیدی از دموکراسی مشارکتی و شورایی را در مقام حوزه عمومی سیاسی پدید آورد. وی معتقد است که «جماعات مجازی در حال رشد در اینترنت می‌توانند به شهروندان در احیاء ابعاد از دست رفته دموکراسی و ایفای نقش جدی‌تر مردم در فرآیند سیاسی کمک کنند.» (Rheingold, 1994: chapter 7)

آلینتا تورنتون (Alinta Thornton) از پژوهشگران ارتباطات سیاسی با بهره‌گیری از مفهوم حوزه عمومی در صدد پاسخگویی به این پرسش برآمده است که: «آیا اینترنت دموکراسی می‌آفریند؟». وی در کتاب خود همچون راینگولد از مدل نظری هابرماس و تبیین وی از ایده حوزه عمومی استفاده کرده؛ ولی اساس کار خود را نقد و بررسی دیدگاه‌ها و نتایج تحقیق وی قرار داده است. در واقع تورنتون تردیدی ندارد که مدل حوزه عمومی در تحلیل و تبیین ارتباطات سیاسی اینترنتی مناسب است؛ ولی می‌کوشد تا مفهوم هابرماسی حوزه عمومی را با افزودن ابعاد انتقادی نظریه‌های مابعدهابرماسی در باب حوزه عمومی تکمیل نماید. زیرا به نظر وی

«تبیین خاص هابرماس از حوزه عمومی در بررسی ارتباطات سیاسی در اینترنت کارآیی کافی ندارد.» (9:1999, Thornton)

تورنتون نظریات راینگولد را مبنی بر اینکه جماعات مجازی اینترنتی می‌توانند به ظهور اشکال جدیدی از دموکراسی مشارکتی و حتی شورایی منجر شوند، تا حدی مطلق‌گرایانه می‌داند. وی پس از بررسی دستاوردهای مطالعات تجربی خود در مورد نحوه و انواع شیوه‌های برقراری ارتباط در اینترنت اظهار می‌دارد که این شبکه فرصت‌هایی برای احیاء حوزه عمومی هر چند محدود در بر دارد. به نظر تورنتون این فرصت‌های تازه محدود به گروه‌های برگزیده و برخوردار اجتماعی است، ولی حداقل افزایشی در فعالیت‌های مشابه حوزه عمومی در اینترنت قابل مشاهده است. او تأکید می‌کند که «اگر کاربردهای اینترنت به گروه‌های اجتماعی حاشیه نشین، کم درآمد و زنان نیز تسری یابد، آنگاه می‌توان گفت که این شبکه امکانی واقعی برای مشارکت وسیع تر شهروندان، ارتباطات سیاسی مؤثر و احیاء واقعی حوزه عمومی پدید آورده است.» (86:1999, Thornton)

دنیس گی نور (Denis Gaynor) از محققان رشته ارتباطات سیاسی دانشگاه «جرج تاون» آمریکا از جمله کسانی است که مفهوم حوزه عمومی را برای مطالعات جامعه‌شناختی در ارتباطات رایانه‌ای و اینترنت کاملاً مناسب می‌داند. وی در تحقیق خود ابعاد مثبت و منفی تأثیرات سیاسی و اجتماعی اینترنت را در نظر گرفته و با اشاره به عوامل مؤثر بیرونی و برخی محدودیت‌های ذاتی شبکه اینترنت در کنار عوامل مثبت و رهایی‌بخش به این جمع‌بندی می‌رسد که «اینترنت ذاتاً دارای قابلیت آزادی‌بخش حوزه عمومی است ولی عوامل بیرونی و غیرذاتی نظیر منافع صاحبان قدرت در حوزه دولت و بنگاه‌های اقتصادی و صنایع ارتباطات ممکن است این پتانسیل را تضعیف و محدود کنند.» (Gaynor, 1996)

روری اوبراین (Rory Obrein) در رساله «جامعه مدنی، حوزه عمومی و اینترنت» با توسل به مفهوم حوزه عمومی به عنوان عنصر اساسی جامعه مدنی که سازمان‌های سیاسی و مدنی متشکل از شهروندان را نمایندگی می‌کند، این سازمان‌ها را در برابر بخش عمومی (دولت) و بخش خصوصی (بنگاه‌های اقتصادی) قرار داده و چنین استدلال می‌کند که «قدرت فزاینده سازمان‌ها و بنگاه‌های اقتصادی در جوامع سرمایه‌داری موجب کاهش روزافزون مشارکت دموکراتیک شهروندان در امور جامعه شده است.» (7:1999, O`brein)

برخلاف دیدگاه‌های خوشبینانه نویسندگانی چون «راینگولد»، «اوبراین» و «گی نور»؛ مارک پوستر (Mark Poster) که از سال‌ها پیش در زمینه تعاملات فناوری دیجیتال با روندهای اجتماعی و سیاسی سرگرم پژوهش و آموزش است، در سال ۱۹۹۹ در «مقاله‌ای درباره سایبر دموکراسی» نوشت: «ایده هابرماسی حوزه عمومی را در مطالعه اینترنت باید کنار گذاشت، زیرا اینترنت به گونه‌ای سیستماتیک نافی این فرض است که فضایی مناسب برای احیاء حوزه عمومی است.» (Poster, 1999) پوستر در تحقیقات اولیه خود اتخاذ رهیافتی تازه در مطالعه دموکراسی را با توجه به ظهور شبکه اینترنت ضروری دانست و از این رو مفهوم حوزه عمومی را «قلب و محور صورت‌بندی نظری تازه‌ای درباره دموکراسی» (Poster, 1995) معرفی کرد، لیکن در نوشته‌های بعدی کاربرد مفهوم حوزه عمومی را در مطالعه اینترنت نارسا خوانده و خواستار رها کردن آن است.

اما/یرنه وارد (Irene Ward) در مقاله پژوهشی «چگونه می‌توانیم دموکراتیک شویم: اینترنت، حوزه عمومی و گفتگوی جمعی» در سال ۱۹۹۷، وجه تعاملی رابطه شهروندان و دولت را در کانون توجه خود قرار داد. او این پرسش را مطرح کرد که «آیا شبکه اینترنت می‌تواند ابزاری برای افراد خصوصی باشد تا با استفاده از آن بر دولت و قدرت سیاسی نفوذی دموکراتیک اعمال کنند؟» برای پاسخگویی به این سؤال او از تبیین هابرماس درباره چگونگی ظهور و رشد حوزه عمومی بورژوازی اروپایی بهره گرفت. او در مقاله خود ضمن یادآوری اینکه «هرگونه فناوری دارای محدودیت‌های مادی و اقتصادی است»، تأکید کرد که اینترنت نیز چنین است و «ذاتاً شبکه‌ای برابری‌زا و رهایی‌بخش نیست.» (Ward, 1997) با این تأکید وی خود را در زمره کسانی قرار می‌دهد که اعتقادی به جبر تکنوکراتیک ندارند و از موضعی اختیارگرایانه به فناوری می‌نگرند. وارد در نتیجه‌گیری‌های خود ارتباط مردم از طریق شبکه‌های الکترونیک و تبادل اطلاعات میان آن‌ها را مثبت ارزیابی می‌کند اما می‌گوید که «این امور لزوماً به مردم‌سالاری بیشتر نمی‌انجامد.» (Ward, 1997)

چارلز اس (Charls Ess) یکی دیگر از پژوهشگران در کتاب خود به نام «دموکراسی سیاسی رایانه‌ای: ارتباطات رایانه‌ای و هابرماس» (۱۹۹۶) به بررسی ارتباطات میان افراد در درون زیرشبکه‌های اینترنتی پرداخته است. وی با تأکید بر ماهیت آزادانه و اختیاری مشارکت افراد در این شبکه‌ها می‌نویسد: «اینگونه مشارکت‌ها پتانسیل‌های دموکراتیک اینترنت را در مقام حوزه عمومی افزایش می‌دهد.» (Ess, 1996)

چارلز اس شیوه‌های مباحثه و تصمیم‌سازی گروهی در شبکه را در شکل تعاملات انسانی مشابه با همان شیوه‌هایی می‌یابد که افراد در زندگی روزمره بدان می‌پردازند. به عقیده وی «شبکه‌های رایانه‌ای عرصه‌های واقعاً دموکراتیکی برای مباحثه متنی (Textual) هستند و امکان حضور بدون تبعیض همگان این قابلیت را

تقویت می‌کند. لذا با گذشت زمان و رفع محدودیت‌های ارتباطی در اینترنت و زیرشبکه‌های آن، ظهور حوزه عمومی سیاسی کارآمد و جدیدی را در اینترنت می‌توان انتظار داشت.» (Ess, 1996) اما این دیدگاه وی که بیشتر رنگ فلسفی دارد و بیانگر موضعی آرمانشهری در قبال اینترنت است، از جانب نویسندگانی که ارتباطات در فضاهای مجازی را برای ارتقاء دموکراسی کافی نمی‌دانند تا حد زیادی خوش‌بینانه ارزیابی شده است.

یک پژوهشگر فنلاندی به نام *توماس هاگ* (Thomas Hug) در مقاله‌ای تحقیقی با عنوان «آیا تکانه رایانه‌ای دموکراسی را به حرکت در می‌آورد؟» (۱۹۹۷) انواع رفتارها و فعالیت‌های شهروندان و احزاب سیاسی نروژ را در عرصه مبارزات سیاسی چه از لحاظ دسترسی آنان به اطلاعات سیاسی و چه از نظر مباحثه میان شهروندان با یکدیگر و با نمایندگان احزاب مورد تجزیه تحلیل قرار داده و مدل نظری خود را از هابرماس اقتباس می‌کند. وی با اشاره به تناسب قابل قبول مفهوم حوزه عمومی هابرماس با تحقیق در ارتباطات سیاسی در اینترنت می‌نویسد: «وجود معیارهایی چون آزادی و برابری شهروندان در گفتگوی مدنی برای دسترسی به اطلاعات و کاربرد آن در بهبود حیات اجتماعی در مدل حوزه عمومی ابزار تبیینی و تحلیلی کارآمدی در تحقیقات ارتباطات رایانه‌ای است.» (Hug, 1997) وی چنین نتیجه گرفته است که «شهروندان از اینترنت برای گفتگوی متقابل و عمومی در مورد مسائل سیاسی در حد مقبولی استفاده کرده‌اند و اطلاعات سیاسی لازم نیز در حد قابل توجهی در دسترس آنها بوده است.» (Hug, 1997) هاگ چنین برداشت می‌کند که «اینترنت راه‌های تازه و مختلفی برای فعالیت سیاسی مردم و مشارکت آنان در فرآیندهای سیاسی ارائه می‌کند؛ اگر چه دموکراسی همچنان در جهان واقعی و نه در فضای مجازی رایانه‌ای جریان دارد.» (Hug, 1997)

اگرچه مطالعات مربوط به تأثیرات سیاسی تکنولوژی‌های نوین ارتباطی و اینترنت عمدتاً کشورهای صنعتی پیشرفته را کانون توجه خود قرار داده است، لیکن توجه به این مقوله در کشورها و مناطق دیگر جهان نیز در حال افزایش است. یکی از نمونه‌های این روند پروژه‌های تحقیقاتی با عنوان رسانه‌ها و بازسازی حوزه عمومی در جهان عربی - اسلامی است که بخشی از آن به نام «جهاد دیجیتال و دموکراسی مجازی: شبکه‌سازی سایبرنتیک در جهان عربی - اسلامی» توسط یکی از پژوهشگران آلمانی به نام آلبرخت هوف هاینس (Albrecht Hofheinz) از دانشگاه هامبورگ هدایت می‌شود.

هدف این پروژه بررسی فعالیت سه نوع از مجامع اینترنتی یعنی گروه‌های اسلامی، گروه‌های سکولار و گروه‌های فرهنگی - مدنی غیرسیاسی در سه کشور مصر و سودان و مراکش با هدف ارزیابی میزان و نحوه تأثیرگذاری ارتباطات مجازی شهروندان کشورهای یاد شده در زندگی سیاسی واقعی آنها است. برخلاف

برخی دیدگاه‌های رایج که مفهوم حوزه عمومی را مفهومی صرفاً متعلق به تاریخ و سنت تفکر سیاسی و فلسفی غرب می‌دانند و جوامع در حال توسعه را فاقد حوزه عمومی واقعی می‌خوانند، در این پژوهش ایده هابرماسی حوزه عمومی در شکل تعمیم یافته آن، ابزار تحلیلی توانایی تلقی شده است. هوف هاینس بر این نظر است که «با انتزاع نمودن ابعاد نظری و مفهومی حوزه عمومی هابرماس از ابعادی که اشاره به ویژگی‌های زمانی و مکانی تاریخ و فرهنگ اروپایی دارد می‌توان به مدلی رضایت‌بخش از حوزه عمومی برای بررسی فرآیندهای سیاسی در همه جوامع دست یافت.» (Hofheinz, 2000)

همچنین رساله دکتری کیم بنگ فار (Kim Beng Phar) در رشته حقوق و دیپلماسی از جمله معدود پژوهش‌های جدید راجع به تأثیرات سیاسی اینترنت در زندگی سیاسی برخی ملل آسیایی است. فار در رساله خود در پی پاسخگویی به این پرسش است که آیا اینترنت می‌تواند سیاست و جامعه را در کشورهای شرق و جنوب آسیا از جمله چین تغییر دهد؟ و اگر آری، این تغییر در چه جهتی و تا چه حدی خواهد بود؟

فار با بررسی ویژگی‌های شبکه اینترنت نظیر محو فاصله‌های جغرافیایی، کاهش روزافزون هزینه‌های دسترسی و ارتباط در شبکه و ارائه امکاناتی جدید برای تشکیل گروه‌های مجازی به منظور فعالیت آنلاین به این نتیجه می‌رسد که: «اینترنت در کشورهای آسیایی تاکنون آثار اقتصادی مثبتی از خود بر جای گذاشته است ولی در زمینه سیاسی میزان تأثیر آن تنها با گذشت زمان مشخص خواهد شد.» (Far, 2000) به عقیده فار «اینترنت فاقد قدرت اجبارآمیز است و لذا نمی‌تواند تأثیر سیاسی مستقیم و قائم به ذات بر سیاست داشته باشد ولی توان آن برای تغییر ارزش‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و امکاناتی که برای عمل سیاسی و تشکل شهروندان و گروه‌های مختلف مدنی و سیاسی در اختیار آن‌ها می‌گذارد، راه را برای تغییر باز خواهد کرد.» (Far, 2000) با وجود این، فار با تأکید بر اولویت توسعه اقتصادی بر توسعه سیاسی در اکثر کشورهای آسیایی که مردم آن‌ها از فقر و فساد در رنج هستند، می‌نویسد: «تأثیر اینترنت در کشورهای آسیایی در حال توسعه تا آینده قابل پیش بینی عمدتاً اقتصادی خواهد بود.» (Far, 2000)

در ایران نیز در این زمینه پژوهش‌هایی صورت گرفته است. خلیل... سردارنیا در مقاله‌ای با عنوان «اینترنت، جنبش‌های جدید و بسیج اعتراض‌ها» بررسی نظری و مصداقی چند جنبش اجتماعی» (۱۳۸۸) به بررسی تأثیر تکنولوژی‌های نوین ارتباطی و اینترنت و قابلیت‌های آن بر سازماندهی و موفقیت جنبش‌های اجتماعی پرداخته است. او در این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که اینترنت چگونه می‌تواند بر موفقیت جنبش‌های اجتماعی تأثیرگذار باشد؟ سردارنیا پس از برشمردن تفاوت‌های جنبش‌های کلاسیک و جدید

اجتماعی به کارکردهای اینترنت برای جنبش‌های جدید اجتماعی پرداخته است. او به منظور تبیین هر چه بهتر کارکردهای اینترنت و نقش آن در هدایت و پیشبرد جنبش‌های اجتماعی، به بررسی مصداقی کاربرد اینترنت در چند جنبش اجتماعی از قبیل جنبش زاپاتیستا در مکزیک، جنبش اعتراضی علیه سازمان تجارت جهانی، و جنبش‌های ضد جنگ و صلح طلب می‌پردازد. او در پایان نتیجه گرفته است که اینترنت در همه این جنبش‌ها تا حد زیادی در ایجاد انسجام درونی اعضا و رهبران جنبش و گسترش اعتراض‌ها در محیط اینترنتی و محیط عینی جوامع تأثیرگذار بوده است و به عمومی و جهانی کردن اعتراض‌های محلی و ملی کمک قابل توجهی کرده است.

حسین کبریایی زاده در مقاله‌ای تحقیقی با عنوان نقش شبکه‌های اجتماعی در شکل‌گیری تحولات سیاسی و فرهنگی با تمرکز بر امواج بیداری اسلامی در خاورمیانه که در شماره نخست نشریه روابط فرهنگی در مهرماه ۱۳۹۰ چاپ شده است به بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی و اینترنت در شکل‌گیری جنبش‌های اعتراضی خاورمیانه پرداخته است و ضمن ارائه تاریخچه شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی، به ویژگی‌ها و کارکردهای این شبکه‌ها برای جنبش‌های اجتماعی اشاره کرده است. او در پایان به این نتیجه رسیده که با توجه به عوامل سیاسی و ساختاری مؤثر بر جوامع این کشورها، نمی‌توان نقش فناوری‌های ارتباطی نوین، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی را در شکل‌گیری و تداوم این جنبش‌ها برجسته دانست.

به طور کلی در ادبیات پژوهش در مورد پتانسیل‌های سیاسی و اجتماعی اینترنت که بخشی از آن در اینجا ذکر گردیده می‌توان سه رویکرد را تشخیص داد. یکی از این رویکردها نگرشی خوش‌بینانه به تأثیر فناوری ارتباطات و اطلاعات به ویژه اینترنت در زندگی جوامع داشته و معتقد است که این فناوری به دلیل ویژگی‌های خاص خود به طور کلی گرایش به مشارکت سیاسی را افزایش می‌دهد. دومین رویکرد نگرشی خنثی و بی‌طرف است که می‌گوید فناوری‌های نوین ارتباطی و اینترنت به خودی خود خنثی بوده و دارای تأثیرات دوگانه‌ای بر زندگی سیاسی هستند و مثبت یا منفی بودن این تأثیرات بستگی به نحوه به کارگیری آن‌ها دارد. سومین رویکرد نیز از آن گروهی است که آن‌ها را می‌توان بدبین دانست. این گروه به عکس خوش‌بینان اعتقادی به آثار مثبت اینترنت ندارند بلکه حتی آن را خطرناک و دارای تأثیرات احتمالی منفی می‌دانند. کارهای انجام شده در این زمینه جامعیت لازم را ندارند و هر یک از منظر خاصی به موضوع پرداخته‌اند و دارای نواقصی هستند. هدف ما در این پژوهش این است که با استفاده از این دیدگاه‌ها به نگرشی جامع در مورد تأثیر تکنولوژی‌های نوین ارتباطی - اطلاعاتی بر مشارکت سیاسی، حوزه عمومی، و جنبش‌های اجتماعی دست یابیم؛

البته تأکید ما در این پژوهش بیشتر بر تأثیر این تکنولوژی‌ها خصوصاً بر جنبش‌های اجتماعی خواهد بود و ناگفته پیداست که در شکل‌گیری و تداوم این جنبش‌ها عوامل ساختاری و سیاسی - اجتماعی و اقتصادی زیادی دخیل هستند و بر این اساس به یک مدل زمینه‌گرا در مورد تأثیر اینترنت و فضای مجازی بر جنبش‌های نوین اجتماعی نیز اشاره خواهیم کرد؛ هرچند مطمئناً این پژوهش نیز جامع و خالی از اشکال نخواهد بود.

اهداف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش پرکردن خلاء علمی در ادبیات فارسی موضوع است. انسان ایرانی سخت در هجمه توفنده و شالوده‌شکن پرسش‌هایی قرار دارد و در این هنگامه او باید معمای کیستی و چیستی خود را حل کند تا در پرتو آن بتواند به «بودن» و «شدن» خود معنا دهد. بی‌تردید تحقق این مهم نیازمند بازسازی احساس و برداشت این انسان از زمان در عصر تغییرات شتاب‌آلود و جهانی‌شدن است.

انسان ایرانی به عنوان عضوی از جامعه بشری می‌داند که جهان در آستانه تحولی بزرگ و شگرف قرار گرفته است. شاید شرایط کنونی بهترین بیان خود را در این گفته کارل یاسپرس (Karl Jaspers) می‌یابد که در شرایط کنونی: «ما در آستانه تحول بزرگی قرار داریم. دیگر برون وجود ندارد. جهان به ما نزدیک شده است. یک زمین واحد داریم. در این فضا تهدیدها و فرصت‌های جدید رویدن گرفته است. تمامی مسائل ضروری ما صبغه جهانی دارد. موفقیت فعلی ما بشری (و نه ملی) است.» (تاجیک، ۱۳۸۵، ۲۲)

با آگاهی از پیوند میان تکنولوژی‌های جدید اطلاعاتی و حوزه عمومی می‌توان به ماهیت تحولات اجتماعی در دنیای امروز پی برد و از این رو این پژوهش می‌تواند به تحلیل‌گران و نیز متصدیان کمک کند بخشی از علل جنبش‌ها و خیزش‌های اجتماعی را دریابند و در مدیریت و برخورد صحیح با این تحولات از نتایج این پژوهش بهره‌گیرند؛ ضمن آن که مباحث این پژوهش می‌تواند به بسط مفاهیم نظری در این قلمرو کمک کند.

سؤالات پژوهش

سؤال اصلی پژوهش

این پژوهش در پی پاسخگویی به این پرسش است که: تکنولوژی‌های نوین ارتباطی - اطلاعاتی بویژه در عرصه اینترنت چه تأثیری بر حوزه عمومی داشته است؟ این تأثیر بر جنبش‌های اجتماعی به چه شکل بوده است؟